

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۲/۲۴

اختر محمد یوسفی

بغاوت در شمال کشور و سکوت مسئولین امنیتی افغانستان؟ بغاوتگران جنایتکار و دلالتان بی شرم شان دیگر از مردم افغانستان چه میخواهد؟

با گذشت (28) سال تسلط و حکمروایی بنیاد گرایان "جهادی" همرا با افراطیت مذهبی "اسلامی"، دشمنان بی شرم داخلی با اشتراک عمال خارجی شان باز دوباره هم بغاوت، هرج و مرج را در افغانستان آغاز نموده اند. ماهیت بغاوت جاری 2020 میلادی در مسیر ادامه جنگ و خونریزی، چپاولگری، تداوم جنایات هولناک، بیعدالتی، خط السیر عبوری و منابع تمویل هرج و مرج آن با بغاوت سال 1992 میلادی مطابق 1370 و 1371 شمسی در افغانستان مشابه می باشد. هیچ تغییر کلی در روش بغاوتگران آن دیده نمی شود. بغاوت جاری 2020 میلادی فقط کاپی از بغاوت سال 1992 میلادی زرادخانه های دشمنان در افغانستان است.



در ماه فبروری ۲۰۲۰ میلادی امسال بعد از اعلان نتایج انتخابات ریاست جمهوری افغانستان و پیروزی محمد اشرف غنی بحیث رئیس جمهور منتخب ریاست جمهوری اسلامی افغانستان، گلجمان رشید دوستم، آشوبگران شورای نظار، فرقه "مذهبی" "حزب" وحدت، شاخه از حزب "اسلامی" برهبری گلبدین حکمتیار، حامد کرزی با عده از بلی گویان سر دسترخوان دعوتیهای چرب استخباراتی باز هم بغاوت مجدد را در ولایات شمال افغانستان بیشرمانه آغاز کرده اند.

بغاوت جاری سال 2020 میلادی مطابق ماه دلو 1398 شمسی با بغاوت سال 1992 میلادی مطابق 1371 و 1371 در افغانستان در اکثر موارد باهم مشابهت کامل دارند، مگر در بین این دو بغاوت در بعضی موارد صرف تفاوت شکلی هم دیده می شود. میخواهم در این یادداشت مختصر با برخی از تشابهات و تفاوتیهای آن اشاره نمایم.

اول: تفاوت بغاوت سال 1992 میلادی مطابق 1370 و 1371 شمسی، با بغاوت جاری 2020 میلادی در اینست که بغاوت سال 1992 بعد از خروج قوای نظامی شوروی آغاز گردیده بود، مگر بغاوت جاری 2020 میلادی با حضور قوای نظامی ایالات متحده امریکا و متحدین ناتو آغاز گردیده است. بغاوت بغاوتگران در عدم حضور قوای نظامی شوروی و بغاوت بغاوتگران با حضور قوای نظامی ایالات متحده امریکا و متحدین ناتو که می خواهد بعد از امضا توافقنامه "صلح" با طالبان افغانستان را ترک نمایند مورد پرسش مردم افغانستان است.

دوم: بغاوت سال 1992 میلادی هم نخست از درون دولت آغاز گردیده بود، که منجر به انارشی مطلق گردید. * تنظیمیهای "جهادی" هفت (7) گانه و هشت (8) گانه در یک مقطع معین زمانی هریک حکومت حکمروایی های جداگانه خود را در قلمرو افغانستان ایجاد کرده بودند.

د پانوی شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولی

* تنظیمهای "جهادی" هفت (7) گانه و هشت (8) گانه در یک وقت معین همه حکومت‌های جنایتکار و غارتگر خود را برای چور و چپاول داراییهای مردم و بیت المال کشور موظف نموده بودند. آنان این تلفون دفاتر دولتی تا کلکین، میز و چوکی را مکاتب را هم زدیدند.

* هر یک از رهبران تنظیمهای "جهادی" فرامین جداگانه حکومتی خود را بالای مردم مظلوم و بی‌دفاع افغانستان همزمان صادر میکردند.

در بغاوت جاری ۲۰۲۰ میلادی با حضور قوای نظامی ایالات متحده آمریکا و متحدین ناتو آغاز گردیده است که هر واحد اداری در ولایات شمال کشور دارای سه والی برحال ولایت (والی تقرر یافته قبلی ولایت، والی جدید التقرر بغاوتگران و والی طالبان) می باشد. اکنون در هر ولایت سه والی برحال در یک مقطع زمانی در ادارات محلی حکومتی ولایات شمال وجود دارد.

خجالت آور است که والی تقرر یافته قبلی ولایت پنجشیر که بر اساس اوامر قبلی "دولت" که وی را بحیث والی مقرر نموده است اطاعت نمی کنند و بغاوتگران پیوسته است. چنین نمونه های خیانت مقامات بلند پایه دولتی در بغاوت سال 1992 میلادی نیز فراوان بنظر میرسد.

سوم: در بغاوت سال 1992 میلادی اکثریت رهبران تنظیمهای "جهادی" هفت (7) گانه و هشت (8) گانه در قید حیات و زنده بودند. مگر اکنون که یک تعداد از رهبران تنظیمهای "جهادی" هفت (7) گانه و هشت (8) گانه مرده اند، پسران شان با رابطه همان شبکه های استخباراتی خارجی چوکی "جهادی" پدران خود را به ارث برده اند. تعداد از رهبران تنظیمهای "جهادی" هفت (7) گانه و هشت (8) گانه که هنوز حیات دارند، برای حفظ امتیازات غارتگری خویش پسران خود را بحیث کفیل سلطنت برای چور و چپاول مورثی شان انتصاب نموده اند.

چهارم: در بغاوت سال 1992 میلادی با وجود آنکه پاکستان و ایران در سقوط حکومت داکتر نجیب الله و ناکامی پلان پنج فقره صلح سازمان ملل متحد در هماهنگی و هم‌نویی با روسیه و غرب یکجا همکاری می نمودند، مگر تنظیم حزب "اسلامی" برهبری گلبدین حکمتیار و جمعیت "اسلامی" برهبری برهان الدین ربانی بر سر اشغال قدرت و گرفتن ارگ در برضد یکدیگر می جنگیدند.

بر اساس تفاهات قبلی گلجمان رشید دوستم، فرقه اسماعیلیه منصور کیان، شورای نظار جمعیت "اسلامی"، فرقه "مذهبی" "حزب" وحدت و کمک مستقیم بخش از جنرالان دولتی خائنین که با حکومت داکتر نجیب الله و پلان پنج فقره صلح سازمان ملل متحد مخالفت داشتند ارگ شاهی تصرف نمودند.

بعد از تصرف ارگ شاهی در جریان جنگ های داخلی جمعیت "اسلامی" برهبری برهان الدین ربانی، قوای حزب "اسلامی" برهبری گلبدین حکمتیار صدراعظم نام نهاد خود را از داخل شهر کابل به طرف چهار آسیاب بیرون راندند.

در 1993 میلادی در جنگ در بین گلبدین حکمتیار صدراعظم نام نهاد و "دولت جهادی" برهان الدین ربانی در ظرف چند ماه بیش از شصت و پنج هزار (65000) مردم بیگناه ملکی کشور در شهر کابل به شهادت رسیدند.

در **بغاوت 2020** میلادی با حضور قوای نظامی ایالات متحده آمریکا و متحدین ناتو شاخه از حزب "اسلامی" برهبری گلبدین حکمتیار در تحت رهبری حامد کرزی و عبدالله عبدالله برای انارشی، هرج و مرج یکجا و متحدانه عمل میکنند. مسؤلین امنیتی از بغاوت بغاوتگران و باغیان جنایتکار ۲۰۲۰ میلادی را در ولایات شمال افغانستان جلوگیری نمی کنند.

پنجم: در بغاوت 2020 میلادی با حضور قوای نظامی ایالات متحده آمریکا و متحدین ناتو نقاب و تشنه رسوایی در رسوایی اجیران بیگانه داخلی در زیر چتر دیموکراسی غربی توسط دشمنان معلوم الحال مردم افغانستان و عمال اجیر شان از سر بام به گوچه افتاده است. بوی کثافات این رسوایی ها دوباره مردم بیچاره و مظلوم میهن ما را در جنگ و خونریزی فرومی برد.

جنگ بیگانگان در افغانستان بر اساس اسناد مستند انکار ناپذیر ثابت ساخته اند که تنها و تنها طالبان نیستند که بدستور پاکستان و اعراب در پی ویرانی افغانستان هستند، بلکه کلمجمان رشید دوستم، آشوبگران شورای نظار، فرقه "مذهبی" "حزب" وحدت، شاخه از حزب "اسلامی" برهبری گلبدین حکمتیار، حامد کرزی در مجموع تمام بنیادگرایان غارتگر و جنایتکار "جهادی" چهار دهه در افغانستان بکمک ایران، روسیه و ترکیه در پیشبرد جنگ و خونریزی در افغانستان متحداً عمل می کند.



حامد کرزی و عبدالله عبدالله و شرکای جرمی شان بمنظور پوشانیدن کثافت کاریها و جنایات سیزده ساله و احراز مجدد قدرت بغاوتگران و جنایتکاران "جهادی" برای غارت را رهبری می کنند.

سوال روشن در اینجاست که وظایف امنیتی "دولت" افغانستان، قوای نظامی ایالات متحده امریکا و متحدین ناتو با قوای اردو ملی و پولیس ملی در افغانستان در برابر آشوبگران و باغیان که انارشی مطلق و هرج و مرج را در افغانستان پیاده کرده اند در کجاست و برای چیست؟

چرا وظایف امنیتی "دولت" در افغانستان، حضور قوای نظامی ایالات متحده امریکا و متحدین ناتو، قوای نظامی اردو ملی و پولیس ملی افغانستان تنها و تنها برای گشتن اتباع بیگناه ملکی افغانستان و جلوگیری از حملات طالبان در کشور است و بیس؟.

چرا "دولت" افغانستان، قوای نظامی ایالات متحده امریکا و متحدین ناتو، قوای اردو ملی و پولیس ملی افغانستان در برابر آشوبگران و باغیان که انارشی مطلق و مرج و مرج را در افغانستان پیاده کرده اند کاملاً سکوت اختیار نموده اند؟.



لاف زدن مسؤلین امنیتی افغانستان کاملاً خجالت آور است. چنین سکوت مسؤلین امنیتی کشور در اجرای وظایف این جنرالان ملبس با یونیفورم محاربوی نظامی که در تن مانند ممثلین فلم های سینمایی هالیوود دارند و مانند کلوخ های چشمدار با چهره های حق به جانب بیطرف یک و دیگر شان نگاه می کنند، شنیدن لاف و پتاق کر کننده ایشان در مورد امنیت و دفاع از منافع ملی افغانستان قابل شنیدن نیست بلکه شرم آور است.

آیا "دولت" افغانستان، قوای نظامی ایالات متحده امریکا و متحدین ناتو، قوای اردو ملی و پولیس ملی افغانستان که برای تأمین و اجرای وظایف امنیتی در افغانستان توظیف هستند در برابر آشوبگری باغیان مکلفیت وظیفوی ندارد؟.

"دولت" در افغانستان قوای نظامی ایالات متحده امریکا و متحدین ناتو، قوای اردو ملی و پولیس ملی افغانستان می تواند هزاران قریه را در افغانستان مانند قریه هسکه مینه ولایت ننگرهار با خاک و خون یکسان نمایند و سالانه صدها هزار تن مردم ملکی و اتباع بیگناه کشور را بکشوند، چرا نمی توانند جلو بغاوت بغاوتگران و باغیان جنایتکار ۲۰۲۰ میلادی را در ولایات شمال افغانستان بگیرند؟.



اگر واقعاً صلح واقعی و پایدار، تأمین حقوق قربانیان حقیقی جنگ و عدالت را در افغانستان میخواهید، نگذارید که تجارب تلخ و خونین بغاوت سال ۱۹۹۲ میلادی مطابق ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ شمسی بعد از خروج قوای نظامی شوروی انجام گردیده بود در بغاوت باغیان سال ۲۰۲۰ میلادی در افغانستان دوباره تکرار شود. عدم جلوگیری از بغاوت بغاوتگران و باغیان در شمال کشور پای گذاشتن بر منافع ملی و تداوم جنگ و ویرانی در افغانستان است.

یادداشت:

هموطنان گرامی ما باید مطمئن باشند که تجربه افغانستان عزیز ناممکن است. این بار اول نیست که غارتگران تجزیه افغانستان را بحیث وسیله غرامت و تهدید برخ مردم مظلوم کشور می ما کشند. دشمنان میهن ما بکار برد وسیله تهدید تجزیه افغانستان را در طول یکصد سال اخیر بخصوص هر بار در هنگام که میخواهند مواضع اجیران خویش در رهبری کشور تقویت کنند و سله تهدید تجربه افغانستان را شعار میدهند، مگر مردم و طندوست کشور ما همواره بر تلاشهای تجزیه دشمن خط بطلان کشیده اند. یقین کامل دارم که این بار نیز غارتگران امتیاز طلب بنام اقوام و مذهب بزودی روی سپاه می شوند.

در طی سالهای ۱۹۸۰ شوروی ها نخست تلاش کردند تا افغانستان را به شمال و جنوب تجزیه کنند، مگر نتوانستند، بالاخره کا جی بی مجبور شد تا با طرح پلان مخفی ساختار اتحاد شمال را در بین طرفداران ببرک کارمل و سلطانهلی کشمند، جمعیت "اسلامی" برهان الدین ربانی، حزب وحدت را زیر کار گرفتند.

شورویها در آلمان از طریق استخبارات کا جی بی و خاد افغانستان میلیونها دالر برای جذب افراد از جنوب کشور در صفوف جمعیت "اسلامی" برهان الدین مصرف کردند. در آن تلاش شوروی ها فقط با جذب و تطمع چند حلقه محدود مانند ملانقیب از قندهار و حاجی قدیر از ننگرهار موفق شدند. اقدام دیگری آن بود که در جنگهای بین جمعیت "اسلامی" و حزب "اسلامی" اکمال شورای نظار احمد شاه مسعود را تقویت میکردند. بعد از سال ۱۹۸۵ میلادی قطعات را در چوکات ریاست پنج امنیت دولتی با لباسهای ملکی و سلاحهای معادل آن از تنگی انابه دره پنجشیر الی کاریزمیر کابل برای جلوگیری از حملات حزب "اسلامی" توظیف ساختند. وسایط و پرسونل که احمد شاه مسعود در سال ۱۳۷۱ شمسی وارد شهر کابل ساختند، همان قطعات مؤظف ریاست پنج امنیت دولتی بودند.

اگر جنایتکاران کلمجم رشید دوستم و دزدان شورای نظار عبدالله عبدالله بشمول حزب وحدت کریم خلیلی و محمد محقق می توانستند افغانستان را تجزیه نمایند این کار را با کمک دشمنان مردم افغانستان در سال ۱۹۹۲ میلادی میکردند که همه طیف های خارجی باهم یکجا همکاری داشتند و فرصت کامل برای غارتگران مساعد بود.

جنایتکاران کلمجم رشید دوستم، دزدان شورای نظار عبدالله عبدالله بشمول حزب وحدت کریم خلیلی و محمد محقق مانند طالبان در طی بیست و هشت سال گذشته بکمک ایران، ترکیه و روسیه زراندوزی، چپاول و جنایت نمودند. مردم با شرف شمال کشور نیز رأی قابل حساب را به آنها نداده اند. این تلاشهای جنایتکاران کلمجم رشید دوستم، دزدان شورای نظار عبدالله عبدالله بشمول حزب وحدت کریم خلیلی و محمد محقق به سرپوشی حامد کرزی از ترس محاکمه ملت است که میخواهند برای نجات خویش در قدرت سهیم باشد.

مرگ بر بغاوتگران و باغیان این عمال دشمنان مردم در افغانستان عزیز.

پایان